

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رهیافت**

سال پانزدهم، شماره ۵۷، زمستان ۱۴۰۰  
صفحه ۴۱ تا ۶۰

## مقابله با فساد اقتصادی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی جایگاه اجرای حق وثیقه)

**اصغر محمودی** / دانشیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
mohmoudipnu@yahoo.com

**آیا هم تقی زاده** / استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
taghizaadeh@gmail.com

**مجید قربانی لاجوانی** / استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
m.ghorbani@put.ac.ir

**محمد گنج خانیلو** / دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران  
vakil1355@yahoo.com

### چکیده

هدف مقاله حاضر، مقابله با فساد اقتصادی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران و جایگاه اجرای حق وثیقه است. امروزه مقابله با انواع مفاسد اقتصادی، یکی از ضرورت‌های غیرقابل انکار حیات بشری است. در نظام حقوقی ج.ا.ایران نیز، مسأله مقابله با مفاسد اقتصادی یکی از ضرورت‌های اساسی نظام حقوقی کشور است. از این رو، ضوابط مختلفی در این زمینه پیش بینی شده است که یکی از این ضوابط حق وثیقه است. سؤال اصلی تحقیق این است که، در نظام حقوقی ج.ا.ایران، حق وثیقه از چه جایگاهی برخوردار است و چه تأثیر آن بر مفاسد اقتصادی دارد؟ فرضیه اصلی مقاله این است که، اجرای حق وثیقه با کاهش خطر، تغییر خطر، افشای اطلاعات بدهکاران سبب کاهش فساد اقتصادی می‌گردد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که، در نظام حقوقی ایران، حق وثیقه صرفاً به عنوان پشتوانه‌ای جهت بازپرداخت وام و یا انجام تعهد قراردادی محسوب می‌شود، در حالی که وثیقه در اقتصاد، کارکردهای گوناگونی از جمله کاهش خطر، تغییر خطر و افشای اطلاعات بدهکاران دارد که سبب کاهش فساد اقتصادی می‌شود، که به نوعی آرامش عمومی و اعتماد اجتماعی را به دنبال دارد. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است که از طریق مطالعه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای نسبت به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نموده است.

**کلیدواژه:** وثیقه، فساد، مفاسد اقتصادی، نظام حقوقی، ج.ا.ایران.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۰۲/۰۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۰/۱۸

## ۱- مقدمه

فساد اقتصادی، یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های سیاسی در طول تاریخ بوده است. به طوری که می‌توان گفت یکی از دلایل اصلی سقوط نظام‌های سیاسی، مسأله فساد و عمومی شدن آن در میان حاکمان و حتی مردم عادی بوده است. در این بین، فساد همواره یکی از مشکلات جدی در ایران بوده است، از دیدگاه سازمان شفافیت بین‌الملل، ایران از نظر فساد داخلی در زمره فاسدتری کشورهای جهان قرار دارد.

فساد اقتصادی، به این دلیل که تهدیدی فراروی مشروعیت نظام‌های سیاسی و عدالت اجتماعی است، مورد توجه قوانین حقوقی و قضایی قرار گرفته و هر نظام حقوقی سعی نموده تا با اتخاذ راهکارهایی از عمومی شدن فساد و گسترش آن به ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کند. ضمن اینکه جهت مبارزه با فساد اقتصادی راهکارهای متفاوتی در نظر گرفته شده است که به طور کلی طیف متعددی از نظریه‌های پیشگیرانه تا مقابله با مفسدان را شامل می‌شود. این موضوع به خصوص برای نظام‌های سیاسی که خود را به عنوان الگویی مطلوب برای اداره عادلانه جامعه می‌دانند، از اهمیت بالاتری برخوردار است. بر این اساس می‌توان گفت، مسأله فساد اقتصادی یکی از چالش‌های پیشروی نظام جمهوری اسلامی ایران است که مورد توجه افکار عمومی، سیاستمداران و مدیران جامعه نیز قرار گرفته است (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۴).

گسترش فساد اقتصادی و تنوع در شیوه‌های فساد در دوره کنونی باعث شده تا حساسیت افکار عمومی نسبت به این مسأله بیش از پیش آشکار گردد. به نحوی که در طی چند سال اخیر، وقوع چندین فقره فساد اقتصادی کلان، سبب شیوع فساد اقتصادی در جامعه و بروزی‌اعتمادی در بین شهروندان شده است. به همین دلیل و با توجه به اهمیت مبارزه با فساد در ساختار اقتصادی و اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای قضایی و تقنینی متعددی در این زمینه اعلام شده است که هر یک بر وجوه خاصی از فساد اقتصادی تأکید می‌کنند. یکی از این راهکارها، وثیقه می‌باشد.

وثیقه، به عنوان یکی از مقررات حقوقی در راستای مقابله با مفاصد اقتصادی نیز قابل استفاده می‌باشد. وثیقه در ارتباط مفاصد اقتصادی، می‌تواند ارزش اقتصادی و به ویژه کارایی آن را در اقتصاد اثبات نماید. وثیقه در اصطلاح قراردادی بین وثیقه‌گذار و وثیقه‌گیرنده است که به موجب آن مالی برای استحکام اجرای تعهدی معین (اعم از پرداخت دین، انجام فعل یا ترک فعل) توسط متعهد یا شخص ثالث به متعهدله سپرده می‌شود تا در صورت عدم انجام آن تعهد،

مورد استفاده متعهدله قرار گیرد. اصولاً در معاملات اعتباری، که عوض یا معوض مدت زمانی بر ذمه یکی از طرفین قرار می‌گیرد و یا زمان تسلیم آن مؤجل است و نیز در قراردادهای کار، طرف بستانکار برای اطمینان از انجام تعهد و یا حسن انجام کار، ممکن است خواهان اخذ وثیقه شود (رحیمی خجسته و فتحی، ۱۴۰۰: ۴۶).

اهمیت موضوع حاضر، وضعیت اقتصادی کشور و گسترش فساد اقتصادی در دوره فعلی است که به یکی از معضلات اساسی فراروی نظام جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است. با توجه به آن که، اقتصاد کشور نبض تپنده و قدرت هر جامعه است، به گونه‌ای که هر اجتماعی با تکیه بر پایه‌های نظام اقتصادی قدرتمند می‌تواند از لحاظ سیاسی مطرح و با ثبات بماند و به عبارتی هر کشوری با روی آوردن به اقتصاد محکم و استوار می‌تواند در جهت دستیابی به یک نظام با صلابت تبدیل گردد. به عبارت دیگر استخوان بندی و اسکلت همه نظام‌های اجتماعی و سیاسی بر پایه اقتصاد کشور متکی است. بنابراین هرگونه تزلزل و بی‌عدالتی و فساد که در آن رسوخ نماید تمام ارکان جامعه را متأثر خواهد نمود. بدیهی است عدم وجود تشکیلات سازمان یافته و برنامه ریزی و وجود مشکلات عدیده و گاه سیاست‌های غلط اقتصادی و صدها عامل ناشناخته دیگر دست به دست هم داده و اقتصاد ما را بسان کلاف پیچیده‌ای نموده است (کوشا و دهقانی، ۱۳۹۶: ۸۶).

بنابراین می‌توان گفت، فساد اقتصادی، علاوه بر نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، رویکرد افکار عمومی را نسبت به نظام سیاسی نیز تحت تأثیر قرار داده است. به همین دلیل، یکی از ضرورت‌های پرداختن به موضوع فساد اقتصادی، ارائه راهکارهایی برای مقابله با مفاسد اقتصادی است که می‌توان به وثیقه اشاره نمود. سئوالی که در اینجا پیش می‌آید این است در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، حق وثیقه از چه جایگاهی برخوردار است و چه تأثیر آن بر مفاسد اقتصادی دارد؟ این مقاله تلاش دارد تا با روش تحقیق کیفی - از نوع توصیفی تحلیلی - نشان دهد که اجرای حق وثیقه چگونه می‌تواند بر کاهش مفاسد اقتصادی تأثیرگذار باشد.

## ۲-چارچوب نظری

توصیف فساد، به عنوان یک مفهوم پیچیده را، در مطالعات بسیاری از محققان این حوزه، می‌توان مورد بررسی قرار داد. از دید این محققان آنچه که مقوله فساد را به یک مفهوم پیچیده تبدیل کرده وجوه فرازمانی، فراسیستمیک و میان فرهنگی آن است. به این معنا که فساد می‌تواند در هر شکل از حکومت، در هر کشور یا دولت و در هر زمان حاضر باشد.

به تعبیر جان گاردنر<sup>۱</sup>، فساد، یک جنبه مداوم و تقریباً همه گیر در جامعه سیاسی است. بعید به نظر می‌رسد که اصلاحاتی بتواند آن را کاملاً از بین ببرد. هر جا که مردم برای کالایی ارزشمند اما محدود رقابت کنند، خواه مجوز تردد تا کسی باشد یا امتیازاتی برای فروش کالاها به دولت...، و سوسه‌ای برای حفظ این کالاها از طریق انگیزه‌های فسادآور به وجود خواهد آمد (Gardiner 1970: 93). تاکید گاردنر بر اینکه فساد امری دائمی و عملاً همه جایی است، غیرقابل بحث بوده و از سوی چند محقق دیگر نیز مورد تأیید قرار گرفت. ادوارد بانفیلد (۱۹۷۵) ادعا می‌کند که از آنجا که انسان ذاتاً فرصت طلب است، جایگاه اقتدار و اعتماد تقریباً به طور اجتناب ناپذیری انگیزه‌هایی برای رفتارهای فاسد ایجاد می‌کند. (Farreles, 2005).

در حالی که وجود برخی عناصر مشترک برای ارائه یک تعریف بنیادین ضروری است، اما فساد، به مثابه آسیب شناسی یک حاکمیت، برحسب سطح نظارت (فردی، سازمانی، بخشی، و دولت)، ماهیت رژیم سیاسی مورد بحث (دموکراتیک بودن در برابر خودکامه یا اتوکراتیک بودن) و طیفی از دیگر عوامل از قبیل میزان مداخله دولت در بازار یا کارآمدی دولت در حوزه‌هایی نظیر آموزش، مقررات و پیمانکاری اشکال مختلفی به خود می‌گیرد. بنابراین هیچ‌گاه ارزیابی و سنجش واحدی از فساد وجود نخواهد داشت و می‌توان هر چیزی که مورد نظر است را سنجش کرد به شرط آنکه عناصر بنیادین یک تعریف وجود داشته باشند.

جوزف نای (۱۹۶۷) اولین تعریف مدرن از مفهوم فساد را ارائه داده است. او به صورت ساده این فساد را سوءاستفاده از اختیارات عمومی برای منافع غیرمنصفانه فردی تعریف می‌کند. مفروض این تعریف آن است که اختیارات عمومی به لحاظ قانونی می‌بایست برای اجرای منفعت عمومی بر پایه فراگیری اخلاقی طراحی شده باشد و اینکه هرگونه عدول از این هنجار (مگر آنکه با هدفی شفاف و نیز سازوکارهای جبران خسارت دقیق و معیت برای گروه یا فردی خاص انجام شود) می‌بایست به عنوان یک انحراف تلقی شود و بدین ترتیب برای آن مجازات در نظر گرفته شود. (Mungiu-Pippidi and Fazekas, 2020: 19)

آنچه که شاهد آن هستیم آن است که مولفه بستر کلی حاکمیت حائز اهمیت فوق‌العاده‌ای است. جایی که ضوابط بازی معمولاً به نفع فساد باشد، پدیده‌هایی که در بالا گفته شد، همراه باهم اتفاق می‌افتد و مکمل یکدیگرند. جایی که فساد کمیاب است می‌توان موارد محدودی از فساد را مشاهده کرد که بر اساس نیاز فردی یا فرصت بوجود آمده انجام شده است. مورد اول

<sup>1</sup> John Gardener

پدیده‌ای است که ذهن جامعه‌شناسان و اقتصاددانان را به خود اختصاص داده و مورد دوم مسئله‌ای که ذهن جرم‌شناسان را به خود مشغول کرده است. (Mungiu-Pippidi and Fazekas, 2020: 18) به این معنا که هر تعریفی از فساد باید دربردارنده بستر حاکمیتی ویژه آن نیز باشد مثلاً اینکه ان حاکمیت از نوع دموکراتیک است یا اقتدارگرا.

با توجه به این ویژگی‌ها، ما باید بتوانیم سطح فساد (شیوع) را در واحدهای قابل مقایسه و در طول زمان توسط یک یا چند واحد اندازه‌گیری ارزیابی کنیم (روند). علاوه بر آن درحالی که هر موقعیت باید بر اساس چند عنصر مشترک واجد شرایط فساد باشد، در نتیجه هم برای بستر حاکمیت و هم برای ماهیت خاص آن بخش یا وضعیت یک تشخیص با همان قدر دقت مورد نیاز است. هرچقدر این مفهوم خاص‌تر باشد تشخیص و سنجش آن ساده‌تر و موثرتر خواهد بود. آنچه که آن را تعریف می‌کنیم همان چیزی است که می‌سنجیم. بنابراین هر اقدام برای ارزیابی هم باید تعریف شفافی داشته باشد و هم به واسطه آن تعریف محدود شود. اولین قدم برای ارزیابی دقیق ارائه تعریف دقیق است که مرزهای مشخصی از آنچه که قرار است سنجش شود و آنچه که قرار نیست سنجش شود را معین می‌کند. (Mungiu-Pippidi and Fazekas, 2020: 18).

از این رو، برخی از بهترین سنجش‌های فساد از تعاریف خاص خودشان استفاده می‌کنند. مثلاً فساد را می‌توان به عنوان خسارت اجتماعی<sup>۱</sup> تعریف کرد، چنین دیدگاهی در سنجش اولیه و مؤثر بانک جهانی که ردیابی هزینه عمومی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود وجود دارد. در این شاخص بودجه اختصاص یافته به هر بخش یا واحدهای فرعی ملی تا مقصد مورد نظری که هزینه می‌شود ردیابی می‌شوند (Reinikka and Svensson, 2004: 685).

منتقدان باور دارند که این نوع سنجش، فساد را با ناکارآمدی یکسان فرض می‌کند، اما در واقع این روش یک سنجش آشکار فساد است و تنها راهی است که تشخیص داده شود پول اختصاص یافته از سوی وزارت امور مالی برای احداث یک مدرسه برای این موضوع هزینه نشده بلکه برای برخی منافع غیرمنصفانه شخصی یا هر مقصدی که این پول آنجا هزینه شده، رفته است. فساد همچنین می‌تواند تحریک مادی برای سوءاستفاده از جایگاه یا دادن رشوه تعریف شود. محققان بیشتر تفاوت میان ادراک و تجربه رشوه را مورد بررسی قرار داده‌اند. اگرچه نتایج

<sup>۱</sup>-Social loss

<sup>۲</sup>-the Public Expenditure Tracking Survey (PETS)

متفاوتی حاصل شده اما شواهد حاکی از آن است که تجربه فساد و ادراک فساد دو چیز جدا هستند و فهم نسبت به پرداخت رشوه، دامنه وسیع تری از تجربه قواعد بازی حاکمیت را منعکس می‌کند. باندبازی، استفاده از رابطه‌ها، منفعت حاصل از مقام یا جایگاه یا پیشرفت به واسطه چیزی غیر از شایستگی، همگی پدیده‌هایی قابل رویتی هستند که ادراک وجود فساد در حاکمیت را تقویت می‌کنند. (Olken, 2009: 961) مادامی که ادراک وجود دارد، پدیده پارتی‌بازی که ناشی از وسوسه مالی است، تنها بخش پارتی‌بازی گسترده تری است که فساد را آشکار می‌کند (Mungiu-Pippidi and Fazekas, 2020: 15)

از دیگر تعاریف قابل سنجش تعاریفی است که فساد را همچون یک مزیت اقتصادی؛ یک تغییر شکل بازار که ناشی از مزیت اقتصادی است؛ یک تخلف از ضوابط، قوانین و رویه‌های مبتنی بر فراگیری اخلاقی و به عنوان انحرافی از رویه‌ها یا نتایج مورد انتظار خدمات عمومی تلقی می‌کند. برخی از این سنجش‌ها گران و غیردقیق هستند، اما برخی دیگر ارزان و مؤثر هستند. (Mungiu-Pippidi and Fazekas, 2020: 15). فساد همچنین می‌تواند به عنوان ریسک تعریف شود. شاخص‌های ریسک به ازای هر بخش و در سطح خرد می‌تواند تولید شود اگرچه محدود شاخص‌هایی در هر تعریف مناسب از ریسک نهفته است. گروه بزرگی از شاخص‌ها بر اساس یک قاعده هنجاری مبهم و با تکیه بر این فرض بنا نهاده شده‌اند که وجود ضوابط خاص، به جای ترکیب پیچیده‌تر شرایط می‌تواند ریسک را کاهش می‌دهند. حتی زمانی که ضوابط بتواند فساد را کاهش دهد، مثلاً در خریدهای دولتی، سنجش احتمال فساد، با توجه به فقدان هرگونه تضمین‌های قانونی، امری دشوار است. جوامعی که کمترین فساد را دارند، مانند دانمارک یا هلند، جوامعی هستند که بیشترین میزان اعتماد در آن وجود دارد. آن‌ها جوامعی هستند که به نسبت ضوابط مربوط به فساد کمتری دارند، درحالی که جوامع با بیشترین میزان فساد مملو از قواعد اخلاقی و ضوابط اجرانشده‌اند. (Mungiu-Pippidi and Dadasov, 2017: 393) در واقع، شواهد زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد که وجود تضمین‌های قانونی و ضوابط بیشتر لزوماً به کاهش فساد نمی‌انجامد.

### ۳- رویکرد جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر ارزش‌های اسلامی و انقلابی به

#### مبارزه با فساد

یکی از مهم‌ترین مسائل فراروی پیشرفت و توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، فساد اقتصادی است. چرا که به فراخور این مسئله، از یکسو زمینه‌های بروز نظام طبقاتی فراهم می‌شود و از دیگر سو مسائلی همچون ربا، تبعیض و بی‌عدالتی در جامعه دامن زده می‌شود. فساد

اقتصادی در ایران علل ساختاری و بلندمدت و نیز علل مقطعی و کوتاه مدت دارد که حتی بعد از انقلاب اسلامی ایران نیز به وضوح قابل مشاهده است. در هر صورت، مقوله فساد اقتصادی به طور خاص و فساد به طور اعم، مورد نکوهش گفتمان انقلاب اسلامی و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

این موضوع نیز در متون دینی از جمله قرآن کریم به طور مکرر مورد تأکید قرار گرفته است. برای نمونه خداوند در آیه ۵۸ سوره هود می‌فرماید: «يَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ ای قوم، در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و آن را تمام دهید و به مردم کم نفروشید و در زمین به فساد برنخیزید».

اگرچه بررسی موارد و مصادیق فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران از بحث حاضر خارج است، ولی شواهد مختلفی بیانگر این مسئله است که فساد اقتصادی، موضوع مهمی است که بارها از طرف مقامات عالی‌نظام مدنظر قرار گرفته است. برای مثال، از جمله مفاسد که طی سال‌های اخیر اتفاق افتاد، تحت عنوان رانت ارز ۴۲۰۰ تومانی مطرح شد. قرار آن بود که برای مقابله با تحریم و در حمایت از اقشار آسیب پذیر جامعه و ورود کالاهای اساسی ارز با قیمت ۴۲۰۰ تومان در اختیار برخی شرکت‌ها و افراد قرار گیرد. نتیجه سیاست‌گذاری غلط و بی‌تدبیری که در این زمینه رخ داد، ۱۸ میلیارد دلار ارز دولتی حیف و میل شد. در این اتفاق ۱۰ هزار شرکت حضور داشتند. خیلی از این شرکت‌ها با ارز دریافتی کالایی دیگر وارد کردند که به سود بیشتری منتهی گردد و یا ارز مربوطه را در بازار ارز ایران به صورت آزاد فروختند. فساد و حواشی ارز ۴۲۰۰ میلیارد آنچنان گسترده بود که حتی مقام معظم رهبری نیز به آن واکنش نشان دادند. ایشان این اقدام را نه ناشی از تحریم که ناشی از بی‌تدبیری و مشکلات مدیریتی دانستند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۷/۵/۲۲).

بنابراین، ضرورت مقابله از مفاسد اقتصادی و همچنین پیشگیری با آنان بر کسی پوشیده نیست (مصطفی پور، ۱۳۹۵: ۶۶).

مفاسد اقتصادی، دارای تنوع زیادی هستند و نمی‌توان فقط به موارد مالی محدود نمود. به طوری که فقدان قواعد حقوقی و قانونی در راستای مقابله با فساد ساختاری نیز می‌تواند در حیطه فساد اقتصادی قرار گیرد. در هر صورت، آنچه در اذهان و افکار عمومی به عنوان مفاسد اقتصادی شناخته می‌شود، مواردی مانند نظیر سرقت، اختلاس، رشوه، تبانی در معاملات، قاچاق و.... می‌باشند. بر همین اساس، مفاسد اقتصادی، در حقیقت جرایمی است مثل رشوه‌گیری، کلاهبرداری، رانت خواری که این اقدامات از دیدگاه قانونگذار جرم بود که کیفرهای مختلفی

را نیز به دنبال دارد (هاشمی شاهرودی ۱۳۹۵: ۲۴). از این جهت، مسئله فساد اقتصادی و مصادیق آن مورد توجه مسئولان و مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز قرار گرفته است و هر یک نیز به نوبه خود علل خاصی برای این موضوع در نظر می‌گیرند و راه‌حلهایی نیز برای حل آن ارائه می‌دهند. فساد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران پیامدهای مختلفی از جمله ایجاد نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، ریزش سرمایه اجتماعی را در پی دارد و حتی در ابعاد سیاسی نیز می‌تواند مسأله مشروعیت نظام و دستگاه قضایی و حتی آرمان‌های انقلاب را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد.

این مسئله‌ای پیچیده نیست که وقتی اقلیتی در جامعه از قواعد و هنجارهای حاکم پیروی نکنند و برای افزایش ثروت و سرمایه اقتصادی خود به فساد اقتصادی و اختلاس روی آورند سرمایه اجتماعی درون جامعه کاهش می‌یابد. طبعاً کاهش سرمایه اجتماعی سبب می‌شود اشتراکات درون جامعه نیز کم و کمتر شود و جامعه به جای هویت جمعی به هویت فردی و جزیره‌ای توجه کند. به عبارتی بهتر هر بخش از جامعه به منافع گروه خود توجه می‌کند. از جمله نتایج گسترش فساد اقتصادی را نیز باید در همین راستا تحلیل کرد. از آنجایی که فساد گسترده اقتصادی به بحران توزیع و عدم عدالت اجتماعی منتهی شده و سبب شکاف طبقاتی و اجتماعی می‌شود، از منظر سرمایه اجتماعی نیز پیوندهای اجتماعی را از میان می‌برد. اعتماد اجتماعی به شدت کاهش می‌یابد و همانطور که گفته شد «مای مشترک» جامعه گسسته می‌شود و آرمان‌های آن به فراموشی سپرده می‌شود. این در حالی است که آرمانهای انقلاب اسلامی بر پایه همین «مای مشترک» شکل گرفته است. آرمان‌هایی که در غیریت با نظام پیشین بر مفاهیمی چون استقلال، عدالت و حمایت از مستضعفین پایه ریزی شد (رادمرد، ۱۳۹۹: ۸).

از این روست که مبارزه با فساد و تاکید بر هنجارهای اخلاقی و اجتماعی و رعایت قانون دارای اهمیت می‌شود. اینکه افراد جامعه برای افزایش و انباشت ثروت به راه‌های مشروع تکیه کنند. اهمیت مبارزه با فساد و حفظ سرمایه اجتماعی نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی در اندیشه امام خمینی به حدی بود که ایشان در همان ماه‌های اولیه پیروزی انقلاب بر لزوم حرکت در مسیر متفاوت با حکومت پیشین تاکید کردند: «امروز یک مسئله خطرناکی مطرح است. ما آن وقت اگر شکست خورده بودیم از طاغوت، هیچ ابایی نداشتیم؛ خوب ما شکست خوردیم؛ حضرت علی (ع) هم از معاویه شکست خورد. آن ابایی نبود؛ خوب مایک مطلبی را می‌گفتیم، مطلب حقی داشتیم می‌گفتیم، نتوانستیم پیش ببریم؛ آن‌ها غلبه کردند بر ما. اما امروز مسئله آن نیست. امروز یک صفحه دیگری در کار است. شکست حضرت امیر از معاویه هیچ اهمیتی

نداشت؛ برای اینکه شکست مسلک نبود؛ شکست شخص بود. اما اگر ما الان مدعی هستیم که اسلامی است رژیم ما، ولی وقتی برویم سراغ بازار ببینیم بازار همان بازار سابق است، ربا همان ربای سابق است، چپاولگری همان چپاولگری سابق است، اجحاف و گرانفروشی فوق‌العاده همان است که سابق بود.... این موجب این می‌شود که انعکاس پیدا بکند که رژیم فاسدی رفت، یک رژیم فاسدی جایش نشست. کاری ما نکردیم جز اینکه یک رژیم فاسدی را از بین بردیم که آن رژیم فاسد کارهایش پای اسلام حساب نمی‌شد... اما امروز که مملکت یک مملکت اسلامی، رژیم یک رژیم اسلامی است. اینطور نیست که شکست اما مثل شکست از محمدرضا باشد که برایمان اهمیت هیچ نداشت. امروز مسلک شکست می‌خورد. این است که مهم است» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۲۷۳-۲۷۴).

از همین رو، توجه به آرمان‌های انقلاب در کنار مبارزه و مقابله با هرگونه فساد اقتصادی معنا می‌یابد. در واقع امام به خوبی به این امر واقف بود که عدم توجه به مفاسد و چپاول‌گری‌ها باعث شکاف گسترده میان دولت و جامعه می‌شود. به عبارتی بهتر، در صورت ناکارآمدی دولت در مقابله با توزیع نابرابر ثروت شاهد بیگانگی جامعه از دولت و دولتمردان خواهیم بود. هر چند اختلاف نظرهای بسیاری در خصوص مسأله نابرابری اجتماعی و میزان فساد اقتصادی در ایران قابل مشاهده است، ولی آنچه مهم است، اینکه مسأله فساد در بسترهای گوناگون آن در ساختار اقتصادی ایران وجود دارد و به این علت مقررات متعدد و نهادهای مختلفی در راستای مقابله با مفاسد اقتصادی پیش‌بینی شده‌اند.

به همین جهت، جمهوری اسلامی ایران طی سالیان گذشته، حرکت جدیدی را در جهت مقابله با فساد شروع نموده است که شروع آن با فرمان ۸ ماده‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۸۱ است. در فرمان هشت ماده‌ای، مقام معظم رهبری ضمن آسیب‌شناسی و ملاحظه برخی نارسایی‌ها و مشکلات موجود، با ترسیم نظری و عملی وضع مطلوب، رهنمودهایی عینی و کاربردی را در طول فرمان جهت، حفظ سلامت نظام و رفع آسیب‌های موجود ارائه کرده است؛ در این فرمان که محصول سال‌ها اداره امور و تجربه بوده و براساس درک عمیق مسائل و کارشناسی‌ها و تحلیل‌های مبتنی بر واقعیت، طراحی، ضمن آسیب‌شناسی، توجه به مشکلات و برداشتن موانع، مبارزه با عوامل فسادآفرین، مبنای این پیام قرار گرفته است (امیری، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

در حال حاضر مقررات مختلفی در خصوص مقابله با فساد در ایران وضع شده است که از جمله می‌توان به قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی، قانون راجع به منع

مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری و.. اشاره نمود (الوانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹). همچنین علاوه بر مقررات و تشکیلات پیش بینی شده در زمینه مقابله با مفاسد اقتصادی، فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی و سایر مسئولان عالی نظام، بیانگر اهمیت این موضوع است که عدم رسیدگی به آن می تواند سبب نابرابری ها و در نهایت نارضایتی های عمومی شود. آن گونه که رهبری نیز در بیانات خویش، مسأله فساد اقتصادی را به ازدهای هفت سر تشبیه ساخته است. به بیان ایشان: عدالت لازم است. باید با فساد و ظلم مبارزه شود، البته خیلی سخت است، فساد مانند ازدهای هفت سر افسانه هاست. یک سرش را که می زنی با شش سر دیگر حرکت می کند. از بین بردنش آسان نیست. آن کسانی که منتفع از فساد هستند، برخورد با اینها کار بسیار سختی است، ولی حتماً باید انجام گیرد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و کارکنان ارتش، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹).

با این حال، بیانات رهبری نیز نشان می دهد که مقابله با فساد می بایست به عنوان یکی از راهبردهای اساسی در بستر تأمین و برقراری عدالت اجتماعی در نظر گرفته شود. در همین راستا، در جمهوری اسلامی ایران نیز نهادهای مبارزه با فساد در زمینه های محدودی قادر به تعیین راهبرد و نظارت هستند. مثلاً دیوان محاسبات کشور تنها بر اجرای دقیق بودجه و انتشار گزارش های تفریغ بودجه به صورت سالیانه نظارت دارد. سازمان بازرسی کل کشور نیز فقط در محدوده دستگاه های اداری به فعالیت داشته که با توجه به اینکه هیچ یک از سازمان های فوق، قادر به تعیین راهبرد جامع و همه جانبه در مبارزه با فساد نبوده اند، طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی در مجلس تهیه شده است (ساداتی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۷).

علاوه بر این، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی که زیر نظر ناجا فعالیت دارد، به عنوان سازمانی مهم در این حوزه مشغول فعالیت است. همچنین در درون قوای مختلف نیز سازمان های کوچک و بزرگی وجود دارد که هر یک به نحوی بر موضع مقابله با فساد تأکید دارند. فساد اقتصادی در ایران، فقط به بخش های دولتی محدود نمی شود. به دلیل اینکه، یکی از موارد مهم که مانع تولید در بخش خصوصی می شود، وجود رانت خواران و دلالان است که بزرگ ترین ضربه را به توسعه و رشد اقتصادی کشور وارد می کنند. دلالان با تشکیل بازار قاچاق، سبب رکود کارخانجات تولیدی شده و بدین ترتیب شرکت های وابسته به قدرت و دولت، بزرگ ترین ضربه را به پیکر تولید و خلاقیت وارد می کنند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۹۵: ۵۳).

می توان بیان نمود، فساد اقتصادی در ایران هم در بخش های دولتی و هم در بخش های خصوصی قابل مشاهده است که به همین دلیل یکی از ضرورت های اساسی برای تحقق برابری

اجتماعی و از بین بردن نابرابری‌ها، مقابله قانونی و جدی با مفاسد اقتصادی است. از سویی دیگر، تعداد قابل توجهی از نهادهای مقابله با فساد در کشور مثل دبیر خانه شورای عالی مبارزه با پولشویی، ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی، سازمان بازرسی کل کشور و مرجع ملی و نهاد هماهنگی سازمان ملل متحد برای مقابله با فساد وجود دارند که معیارهای علمی جهت ارزیابی عملکرد آنها ارائه نشده است (ساداتی، ۱۳۹۴: ۱۱-۱۰).  
به هر صورت، مقابله با فساد همچنان نیازمند راهبرد و قوانین حقوقی متعددی بوده که از جمله می‌توان وثیقه و دیگر ضمانت‌نامه‌ها اشاره کرد.

#### ۴-مقابله با فساد در اسناد بالادستی

قانون اساسی به عنوان برترین هنجار حقوقی هر کشوری شناخته می‌شود و از آن به قانون مادر یاد می‌شود، به همین دلیل سایر قوانین و مقررات دیگر اعتبار و ارزش خود را وامدار قانون اساسی هستند؛ برای شناسایی فساد اقتصادی و مبارزه با آن باید ابتدا به قانون اساسی رجوع کرد. اعتقادی بودن نظام، بر پایه اصول دین و مذهب و همچنین کرامت و ارزش والای انسانی مبنای اعمال و حرکات سیاسی جامعه است بدیهی است با این وصف در دین مبین اسلام هیچ گونه جایگاهی برای امور مفسده دار و نامشروع شناخته نشده و همین امر سبب می‌گردد قوانین منطبق با موازین مذکور، سلامت اقتصادی و مالی جامعه را تضمین و از بروز فساد جلوگیری نمایند.

اصل دوم قانون اساسی در بند ۶ انسان را آزاد توأم با مسئولیت در برابر خدا معرفی می‌کند. در منظر قانون اساسی ایران چنین انسانی مجاز به سوءاستفاده از موقعیت و امکانات تحت اختیار خود نمی‌تواند باشد و صد البته با اعتقاد به اینکه اگر هم در این دنیا کسی پی به اعمال فساد آلود او نبرد حتماً در محکمه الهی باید پاسخگو باشد؛ لذا از مواضع فساد دوری می‌کند. در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۸ اصل چهل و سوم قانون اساسی از تأمین نیازهای اساسی، ایجاد شرایط و امکانات کار برای همه و تنظیم برنامه اقتصادی کشور و منع انحصار و ربا و دیگر معاملات حرام و منع اسراف و تبذیر و... مطرح گردیده که هر یک از موارد فوق می‌توانند راه را بر وقوع مفاسد مالی ببندند. در جامعه‌ای که نیازهای اساسی مردم نظیر مسکن، خوراک و پوشاک تأمین شود، امکان بروز فسادهایی نظیر اختلاس و رشوه و ... از بین می‌رود. در جامعه‌ای که دارای برنامه منظم اقتصادی باشد، اشخاص ضمن برآورده نمودن نیازهای مادی، اقدام به خودسازی معنوی نموده و خود را از ورطه فساد دور می‌دارند. همچنین در جامعه‌ای که اضرار به غیر و احتکار و ربا حرام شده باشد، بسیاری از مفاسد مالی محلی برای وقوع نمی‌یابند.

فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری در خصوص تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد و تهیه طرح مبارزه با فساد مورخ ۱۳۸۰/۲/۱۰ به لحاظ حقوقی در گروه منابع حقوقی قرار نمی‌گیرد، اما به لحاظ اهمیت آن در تدوین اقدامات پیشگیرانه قابل اعتناست. فرمان صادره از سوی مقام رهبری با نظر به اینکه افکار عمومی و شهروندان با عنایت به فراموشی برخی آرمان‌های انقلابی و مشاهده ظهور و گسترش فساد اداری از این وضعیت به انحای مختلف ابراز نارضایتی و نگرانی می‌نمودند؛ در جهت مبارزه با فساد و قطع ریشه فساد در نظام اداری و اقتصادی کشور صادر گردید. اصول مهم این فرمان در راستای مقابله با فساد عبارتند از:

۱- با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمره‌ها و به تدریج فریادهای مخالفت با آن بلند خواهد شد، اما هر گونه تسامح در مبارزه با فساد، به نوعی همدستی با فاسدان و مفسدان است.

۲- اعتماد عمومی به دستگاه‌های دولتی و قضایی در گرو آن است که این دستگاه‌ها در برخورد با مجرم و متخلف قاطعیت و عدم تزلزل خود را نشان دهند.

۳ - مبارزه با فساد موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می‌خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند. تولید کنندگان این کشور، خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالم‌اند.

۴ - کار مبارزه با فساد را چه در دولت و چه در قوه قضاییه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می‌خواهد با ناپاکی دریفتد باید خود پاک باشد، و کسانی که می‌خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود برخوردار از صلاح باشند.

در سند چشم‌انداز بیست ساله در سال ۱۳۸۲ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید به صورت کلی در بر گیرنده وضعیت کلی کشور مبنی بر پیشرفت همه جانبه و کسب رتبه‌های برتر در عرصه‌های گوناگون علمی، اقتصادی و ... می‌باشد. به طور کلی تاکید بر کلید واژه‌های بکار رفته در این سند مانند فرصت‌های برابر، رفع هر گونه تبعیض، برخوردار از وجدان کاری و توسعه کارآمد مستلزم یک محیط سالم اقتصادی است که نشان از توجه به بحث مقابله با فساد است (هاشمی و سرمست، ۱۳۹۱: ۱۷).

قانون برنامه پنجساله ششم توسعه نیز مقید به پیش بینی برنامه‌های کشور در سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۶ می‌باشد که بخش ششم آن مربوط به نظام اداری، شفافیت و مبارزه با فساد می‌باشد. در ماده ۲۸ این قانون بر اصلاح نظام اداری از طریق تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه

دولت و حذف دستگاه‌های غیر ضرور و هزینه‌های زاید تاکید شده است (مصطفی نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲).

## ۵- رویکرد حقوقی به مبارزه با فساد در نظام حقوقی ایران

### ۵-۱- اتخاذ تدابیر نظارتی بر عملیات مالی و بانکی

از آنجا که مفسدان در بسیاری از موارد با استفاده از خدمات و تسهیلات بانک‌ها و مؤسسات مالی عواید حاصله از اعمال مجرمانه خود را تطهیر می‌نمایند، لذا یکی از مهم‌ترین اقدامات به منظور مقابله با فساد تشکیل نظام جامع نظارتی و کنترلی داخلی برای بانک‌ها و سازمانهای مالی غیربانکی که خدماتی را جهت انتقال پول و یا اشیاء ارزشمند ارائه می‌دهند، می‌باشد که در چهارچوب صلاحیت خود به منظور جلوگیری و کشف تمامی اشکال فساد به حفظ سوابق، گزارش نمودن معاملات مشکوک و شناسایی مشتریان و..... تلاش خواهد کرد (خمامی زاده، ۱۳۹۲: ۷).

اتخاذ تدابیر نظارتی بر عملیات مالی و بانکی به عنوان یکی از راهکارهای پیشگیری از فساد در حقوق ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است.

در این باره می‌توان به ماده ۱۸ آیین نامه قانون مبارزه با پولشویی اشاره نمود که مقرر داشته: اشخاص مشمول قانون و نیز هیات مدیره اتحادیه‌های صنفی مشاغل غیرمالی مکلف‌اند، واحدی را با توجه به وسعت و گستردگی سازمانی خود به عنوان مسئول مبارزه با پولشویی به دبیرخانه معرفی کنند. مسئول واحد باید از مدیران اشخاص مشمول انتخاب شود. دبیرخانه می‌تواند در صورت لزوم، براساس اهمیت واحد، صلاحیت اعضای واحد یاد شده را بررسی کند. تبصره یک: تمام اشخاص مشمول مکلف‌اند متناسب با گستره تشکیلات خود ترتیبات لازم را به گونه‌ای اتخاذ کنند که اطمینان لازم برای اجرای قوانین و مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی حاصل شود. منظور از اشخاص مشمول طبق بند ط میم یک آیین نامه عبارت است از تمام اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع مواد ۵ و ۶ قانون از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانک‌ها، موسسه‌های مالی و اعتباری، بورس اوراق بهادار، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوق‌های قرض الحسنه، بنیادها و موسسه‌های خیریه و شهرداری‌ها و هم چنین دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی (اسدی، ۱۳۹۹: ۹۹).

### ۵-۲- کنترل و نظارت بر ارزشهای خارجی

راهکار دیگر، کنترل و نظارت بر ارزشهای خارجی می‌باشد. به این صورت که یک دولت باید با ارائه تمهیداتی در رأس بازارهای مالی قرار گرفته و برنقل و انتقالات ارزشهای خارجی نظارت داشته باشد (شفیعی و صبوری دیلمی، ۱۳۸۸: ۲۴).

چرا که در مواردی که نقل و انتقال ارزی کنترل شده و ضابطه‌مند باشد، هر نقل و انتقال ارزی، با استفاده از ابزارهای قانونی، محدود یا ممنوع شده و به اطلاع مقامات قانونی می‌رسد و این امر با توجه به اینکه اغلب روش‌های تطهیر پول مستلزم نقل و انتقال ارز است، سبب پرهیز مفسدان از استفاده از مؤسسات مالی قانونی برای نقل و انتقال ارز و در نهایت کاهش میزان فساد می‌شود. مسلماً رژیم کنترل ارز گامی مؤثر در تحدید و کنترل مصادیق مختلف فساد اقتصادی است. از این رو اکثر کشورها دارای نظام کنترل ارزی می‌باشند، که براساس آن یا انتقال ارز به خارج از کشور دارای محدودیت‌هایی است یا این که گزارش جامع از هر نوع معامله مستلزم نقل و انتقال ارز، به مقامات ذیصلاح ضروری است (موسوی مقدم، ۱۳۹۷: ۶۷).

سیاست کنترل بر ارز، با هدف مبارزه با مفاسد اقتصادی، باید با دقت کافی مورد استفاده قرار گیرد. زیرا این سیاست همانند یک تیغه دولبه است که از یک طرف باعث دشواری نقل و انتقال وجوه توسط مفسدان می‌شود و از طرف دیگر اعمال این سیاست منجر به ایجاد بازارهای موازی و بازار سیاه ارز می‌گردد به آسانی می‌توانند مورد سوء استفاده مفسدان قرار گیرند. بنابراین لازم است دولت‌ها به جای عقب نشینی و محدود کردن نظام‌های مالی و ارزی خود تمهیداتی را به کار ببرند که در رأس بازارهای مالی قرار بگیرند و برنقل و انتقالات ارزشهای خارجی نظارت داشته باشند. یکی از این روش‌ها به کارگیری شیوه‌های نظارتی به منظور ممانعت از فساد توسط کارکنان رسمی دولت است (اصلائی، ۱۳۹۲: ۳۰۲).

### ۵-۳- نظارت بر اموال و دارایی مسئولین و مقامات دولتی

یکی دیگر از راهکارهای مؤثر به منظور مقابله با فساد، نظارت بر اموال و دارایی مسئولین و مقامات دولتی می‌باشد. مراد از نظارت بر اموال و دارایی، نظارت بر مشروعیت اسباب مالکیت آنها است. به این معنی که موجبات دارا شدن مال، باید مبتنی بر ضوابط و معیارهای قانونی و شرعی باشد و اشخاص با توجه به موقعیت‌ها و فرصت‌هایی که به سبب تصدی امور برای آنها فراهم است، به نحو غیرقانونی و یا غیرشرعی اموالشان تحصیل نشده باشد. این شیوه غیرمستقیم مقابله با فساد ایجاب می‌کند که مدیران و مسئولین عالی رتبه دولتی، براساس قانون، در دوره‌های زمانی معین شده، فهرستی از اموال و دارایی‌های خود را به دستگاه و یا نهادی که طبق قانون موظف به رسیدگی به این امور می‌باشد ارائه دهند (عابدی، ۱۳۹۵: ۶۲).

بسیاری از نظام‌های حقوقی سعی کرده‌اند با مقرر نمودن سیستم نظارت بر اموال دارایی مقامات و مسئولین در قانون اساسی یا اسناد قانونی دیگر مانع از بروز فساد مالی گردند. از جمله می‌توان به کشور ترکیه اشاره کرد. قانون اساسی ترکیه افرادی را که وارد خدمت عمومی می‌شوند و آنهایی که در نهادهای تقنینی و اجرایی دولت به خدمت مشغول هستند را موظف به اعلام وضعیت مالی خود می‌کند. توالی زمانی این اعلامیه‌ها توسط قوانین خاص تعیین می‌شود (افوسو، ۱۳۸۴: ۲۴).

#### ۵-۴- ممانعت از ایجاد بانک‌های مجازی

از آن جا که مبادلات مالی و پولی جزء جدایی ناپذیر مبادلات تجاری می‌باشند، در جهان امروزی و به ویژه در کشورهای پیشرفته، همگام با گسترش حجم الکترونیک در اثر تحولات گسترده فناوری ارتباطات و اطلاعات، نهادهای پولی و مالی نیز دریافته‌اند که به منظور پشتیبانی و تسهیل تجارت الکترونیک باید به طور گسترده‌ای به استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات روی آورند.

به همین دلیل است که طی چند دهه اخیر سیستم‌های پرداخت و تبادل وجوه الکترونیکی به تدریج در حال توسعه می‌باشند. در این میان بانکها نیز به عنوان واسطه‌های پولی ناگزیرند با حرکت به سوی بانکداری الکترونیکی و عرضه خدمات مالی نوین، در تمام عرصه‌های نوین از جمله تجارت الکترونیک تلاش موثری داشته باشند و این نگرش، اساس شکل‌گیری بانک‌های مجازی را تشکیل می‌دهد. هدف بانکداری مجازی، استفاده از فناوری‌های پیشرفته نرم افزاری و سخت افزاری مبتنی بر شبکه و مخابرات برای تبادل منابع و اطلاعات مالی مشتریان به صورت الکترونیکی است که می‌تواند باعث حذف نیاز به حضور فیزیکی مشتری در شعب بانکها شود (باقری، ۱۳۹۴: ۸۳).

استفاده از سیستم‌های رایانه‌ای متمرکز، عدم محدودیت زمانی و مکانی جهت انجام عملیات بانکی، امنیت بالا و قابلیت پیگیری عملیات بانکی و افزایش سرعت و کارایی، ویژگی‌هایی است که ضرورت تأسیس بانک‌های مجازی در دنیای کنونی را اجتناب ناپذیر می‌کنند.

#### ۵-۵- لزوم هماهنگی کامل و همه جانبه بین دستگاه‌های نظارتی و اطلاعاتی

مبارزه با فساد اداری و اقتصادی به دلایل متفاوتی از جمله نفوذ در مراکز تصمیم ساز و تصمیم گیر دستگاه‌های دولتی و حکومتی، سازمان یافتگی و باندی بودن، پرداخت رشوه، استفاده از شیوه و شگردهای نوین، دشوار و پیچیده می‌باشد، این پیچیدگی و دشواری به اندازه‌ای می‌باشد که امکان برخورد و مبارزه با این پدیده صرفاً از سوی یک نهاد یا ارگان خاصی

امکان پذیر نبوده و ضرورت دارد تمامی دستگاه‌های متولی امر در کلیه مراحل مقابله با این پدیده، به صورت هماهنگی عمل نمایند.

مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، تصریح نمودند: «دستگاه‌های نظارتی هم بایستی با قوت و با چشم باز در میدان باشند؛ هم دستگاه‌های اطلاعاتی، هم دستگاه‌های نظارتی مربوط به قوه قضائیه، هم دستگاه‌های نظارتی مربوط به مجلس، هم اتحاد مردم مؤمن بایستی احساسات کنند که وظیفه دارند و نقش ایفا کنند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم ۱۳۹۷/۵/۲۲).

#### ۶-۵- استفاده از نیروهای متعهد و متخصص در مبارزه با فساد

با توجه به رخنه مفسدین در لایه‌های دولتی، حکومتی و تلاش مستمر برای آلوده نمودن نیروهای متولی مبارزه با فساد و همراه نمودن آنها در اقدامات مجرمانه، ضرورت و اهمیت استفاده از نیروهای متعهد و متخصص در مبارزه با فساد بیش از پیش احساس می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و نخبگان استان همدان تصریح کردند: «البته هم قوه قضاییه و هم مسئولان دولتی ذیربط باید دست خودشان را کاملاً پاک نگه دارند. من آن روز گفتم؛ باید دستمال را تمیز کرد تا بشود شیشه را با آن تمیز کرد. مبارزه با اعتیاد و مبارزه با فساد اداری، جزو درخواست‌های مردم است؛ این‌ها باید بر آورده شود» (بیانات مقام رهبری در دیدار با مسئولان استاد همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۹).

#### ۶-۱- اجرای حق وثیقه و مقابله با فساد

تأثیر و نقش وثیقه به عنوان یکی از شایع‌ترین ابزارهای تضمین در نظام مالی اقتصادی و رویکردی در مقابله با فساد، غیرقابل انکار است. از کاهش خطر، تغییر خطر و افشای اطلاعات در خصوص بدهکار، می‌توان به عنوان سه کارکرد اصلی وثیقه در امر مقابله نام برد.

#### ۶-۱-۱- کاهش خطر

اصلی‌ترین عملکرد وثیقه در مقابله با فساد، کاهش خطر است. هر گونه اعطای اعتباری مشتمل بر خطرهای مختلفی است از جمله اینکه احتمال دارد تا زمان سررسید، ارزش پول در یک اقتصاد به علت تورم، رکود و یا به دلیل نوسانات نرخ ارز تغییر کند، علاوه بر تغییر ارزش اعتبار، احتمال دارد نرخ سودها تغییر نماید. از همه مهم‌تر و فارغ از خطرهای فوق، خطر عدم بازپرداخت یک اعتبار، بسیار مهم است که وثیقه می‌تواند مفید واقع گردد.

خطر اخیر نیز دو گونه است: خطر ناشی از عدم بازپرداخت به موقع اعتبار و خطر ناشی از عدم بازپرداخت اعتبار، که البته اعتبار نیز مشتمل بر اصل اعتبار و سود آن می‌گردد. یک سرمایه

گذار هنگامی که می‌داند یک حق مسلم قانونی، جهت مراجعه به دارایی‌های بدهکار، در زمان عدم پرداخت بدهی دارد، کاملاً خطر سرمایه‌گذاری را متفاوت ارزیابی خواهد کرد و تصمیمی متفاوت در خصوص سرمایه‌گذاری اتخاذ می‌کند. کاهش خطر ناشی از وثیقه از دو طریق حاصل می‌گردد؛ کارکرد مثبت و کارکرد منفی. کارکرد مثبت آن است که وثیقه گیرنده می‌تواند در فرض عدم ایفای دین، آن را اجرا و طلب خویش را وصول نماید. در رویکرد منفی در واقع اعتباردهندگان درصدد هستند تا محافظی در مقابل اشخاص ثالث ایجاد نمایند (دستی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۸).

به بیانی، تأمین کنندگان اعتبار و سرمایه‌گذاران درک می‌کنند که با پرداخت اعتبار و سرمایه‌گذاری، با خطرهای تجاری روبرو بوده و سعی می‌نمایند تا این مشکلات را با مدیون در میان گذاشته و راه حل آن را پیدا کنند. حال اگر اشخاص ثالث حق وثیقه‌ای را نسبت به اموال مدیون به دست بیاورند و اجرا نمایند یا مدیون را به ورشکستگی ببرند، تلاش‌های آن‌ها بی نتیجه خواهد بود. به همین جهت تأمین کنندگان اعتبار و وثیقه‌گذاران، عمدتاً وثیقه اخذ کرده تا از تقدم حق وثیقه اشخاص ثالث جلوگیری نمایند. در این موارد حق وثیقه در وهله اول برای اجرا استفاده نمی‌شود، بلکه کارکرد آن جلوگیری از اجرای حقوق وثیقه توسط اشخاص ثالث می‌باشد.

بنابراین کارکرد منفی وثیقه، جلوگیری از گرفتن وثیقه توسط اشخاص ثالث به فرض مقدم و اجرای آن می‌باشد. وثیقه با کاهش خطر ناشی از اعطای اعتبار، بر ارزش اقتصادی خود اضافه نموده و بدین وسیله موجب تأثیر وثیقه بر اقتصاد می‌گردد. به طور کلی ارزش اقتصادی وثیقه می‌تواند با قاعده‌ای ساده تعیین گردد؛ به این فرض که ارزش اقتصادی بر اساس کاهش خطر ناشی از وثیقه مشخص می‌گردد، بدین مفهوم که هر چه خطر پرداخت اعتبار کاهش پیدا نماید، ارزش وثیقه برای وام دهنده بیشتر می‌گردد.

## ۲-۶- تغییر خطر

عملکرد دیگر وثیقه در امر مقابله با فساد، جلوگیری از تغییر خطر است. با توجه به اینکه طلبکار احتمال دارد در برابر خطرهایی از جمله وجود طلبکاران متعدد جهت اعتبار گیرنده روبرو گردد و یا دارایی‌های اعتبار گیرنده از میزان بدهی‌های وی، کمتر باشد یا به مرور کمتر شود، یا اموال وی به شکل پراکنده و به راحتی در دسترس نباشد. کریس هیگسون به وضوح خطرهایی که تأمین کننده اعتبار در هنگام امضای با آن روبرو هستند را معنی می‌نماید. بدهکار احتمال دارد دین بیشتری، با حق تقدم معادل یا حتی بالاتر، ایجاد نماید، همچنین احتمال دارد،

مدیون اموالی را که طلبکار در صدد گرفتن آنها به عنوان وثیقه است، را به عنوان سود سهام یا دستمزد توزیع نماید و ممکن است استراتژی‌های سرمایه گذاری پر خطری را در پی گیرد، همچنین احتمال دارد با سرمایه گذاری منفعتی به دست بیاورد، ولی هزینه‌هایی ممکن است به وسیله بدهی محقق گردد (Higson, 2010: 233).

در حقیقت متقاضی اعتبار، ممکن است به ضرر تأمین کننده اعتبار عمل نماید، مثلاً بعد از اخذ اعتبار نسبت به کارگیری آن در پروژه‌های باخطر بالا دست و در نتیجه از بازپرداخت اعتبار ناتوان شود، در نتیجه ضرر عدم بازپرداخت اعتبار، به تأمین کننده تحمیل می گردد. این خطرها با توجه به وجود وثیقه پوشش داده می شود چون که بدهکار اموالش را برای زمان نقض عهد سپرده است. جدای از مبانی اقتصادی آن، متقاضی اعتبار می باشد که مزایای پرداخت یا بازپرداخت را می سنجد، به این شکل که اگر نقض عهد نماید، این وام را دارد ولی در آینده دیگر دسترسی به وامی ندارد. وثیقه این خطر را به شکل شایسته تری مدیریت می نماید؛ چون اگر برای تأمین اعتبار، از متقاضی وثیقه اخذ گردد، اثر آن این است که متقاضی یا شخص ثالث وثیقه گذار اموال خودش را در صورت عدم پرداخت دین دارای وثیقه، در خطر قرار می دهد. به بیانی اموال موضوع وثیقه در فرض عدم پرداخت یا بازپرداخت اعتبار، در خطر قرار می گیرد و احتمال دارد وثیقه گذار آنها را از دست بدهد؛ بر این اساس متقاضی اعتبار از اتخاذ رویکردهای پرخطر جهت استفاده از اعتبار خودداری می نماید و اگر هم چنین نکرد، همه خطر بر عهده خود او است و به تأمین کننده اعتبار چیزی تحمیل نمی گردد، چون تأمین کننده می تواند از محل فروش وثیقه، طلب خویش را وصول نماید. همچنین در اعتبارهای باوثیقه، میزان وثیقه می تواند با اندازه وام تنظیم گردد و این موضوع نیز به اداره مطلوب آن کمک می نماید. از این عملکرد وثیقه به عنوان امتناع از تغییر خطر نام برده می شود. وثیقه موجب می گردد تلاش‌ها برای اجتناب از قصور افزایش یافته، بنابراین وثیقه موجب ارتقاء عملکرد گذشته نگر می شود (کشاوری حداد و حیدری، ۱۳۹۶: ۳۲۲).

برخی مطالعات حاکی از آن است که گروگذاری وثیقه موجب می گردد که مشتری تلاش زیادتری را جهت تقلیل احتمال قصور خود انجام دهد.

### ۶-۳- افشای اطلاعات بدهکار

عملکرد دیگر وثیقه در راستای مقابله با فساد و کاهش آن، افشای اطلاعات بدهکار است که موجب می گردد تا حدودی انگیزه بدهکار نسبت به بازپرداخت بدهی برای اعتبار دهنده مشخص گردد؛ چون یک سرمایه گذار جدی، علاقه مند است که وثیقه گذار، چون که اراده

جدی برای بازپرداخت بدهی دارد و به سبب اعطای وثیقه، این اطمینان خاطر را به اعتباردهنده نیز می‌دهد؛ اما کسی که قصد بازپرداخت ندارد، حاضر نیست دارایی خود را به وثیقه سپارد چراکه عزم جدی برای بازپرداخت آن ندارد به عبارتی اشخاص با ریسک بیشتر، تعهد کمتری نسبت به اشخاص با ریسک کمتر در ارائه وثیقه دارند، زیرا تسهیلات گیرندگان با ریسک تمایل به ارائه وثیقه مطمئن تر ندارند، چون مستلزم هزینه است (قوامی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۹). بنابراین وثیقه اطلاعاتی در مورد متقاضی اعتبار در اختیار تأمین کننده اعتبار قرار می‌دهد، اینکه آیا وی متقاضی واقعی است و قصد بازپرداخت اعتبار دارد یا قصد بازپرداخت ندارد.

### نتیجه‌گیری

پدیده فساد مالی و اقتصادی عوارض سوء متعدد و آثار و پیامدهای ناگواری برای جامعه در پی داشته که از جمله آن می‌توان به لطمه به امنیت اقتصادی، تهدید امنیت ملی، رواج و گسترش تبعیض و بی‌عدالتی، از بین رفتن مشروعیت نظام، کاهش بهره‌وری، کند کردن حرکت توسعه کشور، آرمان زدایی از انقلاب، افزایش هزینه زندگی مردم، تضعیف اعتقاد مردم به توانایی و اراده سیاسی حاکمیت، اتلاف منابع مالی کشور، بی‌ثباتی سیاسی، کاهش سطح سرمایه‌انسانی و سهم سرمایه‌گذاری خصوصی و ... اشاره کرد. نظر به اهمیت موضوع، اثرات و عوارض بسیار سوء این پدیده، ضرورت مقابله بیش از پیش دوچندان نمود می‌یابد. به نظر می‌رسد فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره مبارزه با فساد و تشبیه آن به «اژدهای هفت سر» به خوبی میتواند زمینه‌های قانونی برای مقابله با مفاسد اقتصادی را فراهم سازد. در نظام حقوقی ایران، رویکردهای مختلفی در جهت مقابله با فساد پیش بینی شده که یکی از این موارد وثیقه می‌باشد. بررسی ماهیت و عملکرد وثیقه در نظام حقوقی اقتصادی، اهمیت این نهاد حقوقی در امر مقابله با فساد و کاهش مفاسد اقتصاد را اثبات کرد. فارغ از سایر کارکردهای وثیقه که بدان اشاره شد و نقش مهمی در مقابله با فساد دارند، با ایجاد نظام جامع معاملات با وثیقه، بازپرداخت و جبران خسارت احتمالی اعتبار دهندگان پوشش داده می‌شود و سبب ترغیب بانکها و مؤسسات مالی و به طور کلی اعطاکنندگان اعتبار داخلی و خارجی به اعطای اعتبار و تسهیلات با هزینه بسیار پایین خواهد شد. همچنین نظام جامع و شفاف باعث کاهش هزینه‌های تحصیل اعتبار نیز می‌شود. با توجه به افزایش اطمینان طلبکار نسبت به وصول طلب خود، امکان خریدهای اعتباری برای مصرف کنندگان فراهم و دوره‌های بازپرداخت بلند مدت تر می‌شود و سود به دلیل کاهش خطر عدم پرداخت، کاهش می‌یابد که این موضوع نهایتاً منتهی به کاهش فساد در نظام حقوقی ایران خواهد شد.

## منابع و مآخذ:

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۹). «پیشگیری و مبارزه با اعمال نفوذ بر افراد ذی سمت از دیدگاه حقوق مالی اقتصادی»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی.
- افسوس، امه (۱۳۸۴)، **چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد**، ترجمه احمد رنجبر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- امیری، علی نقی (۱۳۹۲). «رویکردی تطبیقی به دو فرمان حکومتی فرمان هشت ماده‌ای رهبر انقلاب، در بستر فرمان حکومتی امام علی»، **دوفصلنامه اسلام و مدیریت**، دوره دوم، شماره ۴.
- باقری، فاطمه (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی راهکارهای پیشگیری از جرم پولشویی در قانون مبارزه با پولشویی و کنوانسیون مریدا»، **مجله کارآگاه**، دوره نهم، شماره ۳۱.
- خحمامی زاده، فرهاد (۱۳۸۲)، «مبارزه با پولشویی در بانکها و مؤسسات مالی (نگاهی به قانون ضد تروریسم ایالات متحده امریکا)»، **مجله حقوقی**، دوره اول، شماره ۲۹.
- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، **صحیفه امام**، تهران: موسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی.
- دشتی، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۷). «کارکردهای اقتصادی وثیقه و ضرورت اصلاح نظام معاملات آن»، **پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، دوره بیست و دوم، شماره ۴.
- رادمد، محمد (۱۳۹۹). «تاثیر فساد اقتصادی در آرمان‌زدایی از انقلاب اسلامی»، **کنفرانس ملی مولفه‌های تمدن ساز در بیان گام دوم انقلاب**.
- رحیمی خجسته، حسن و فتحی، مرزیه (۱۴۰۰). «واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس». **تمدن حقوقی**، سال چهارم، شماره ۸.
- ساداتی، مهدی (۱۳۹۴). «معیارهای کارآمدی درون سازمانی نهادهای مبارزه با مفاسد اقتصادی»، **فصلنامه حقوق اداری**، سال سوم، شماره ۹.
- شجای، صدیقه بیگم و همکاران (۱۳۹۸). «جایگاه شهر رسانه ای در مبارزه با مفاسد اقتصادی»، **مجله رهیافت انقلاب اسلامی**، سال سیزدهم، شماره ۴۹.
- شفیعی، سعیده و صبوری دیلمی، محمد حسن (۱۳۸۸)، «بررسی شیوه‌های مبارزه با پدیده پولشویی با تاکید بر راهکارهای مالیاتی»، **فصلنامه تخصصی مالیات**، دوره هفدهم، شماره ۵.
- قوامی، سید حسن و همکاران (۱۳۹۰). «بررسی تجربی اثر علامت دهی متغیر وثیقه در عقود مشارکتی»، **فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی**، سال شانزدهم، شماره ۷۶.
- کشاورز حداد، غلام رضا (۱۳۹۶). «ارزیابی سیاست نوع وثیقه در ارزش اعتباری شرکت ها و جیره بندی وام: رویکرد جفت و جور سازی امتیاز»، **فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی**، دوره هشتم، شماره ۱.
- کوشا، جعفر و دهقانی، محمدرضا (۱۳۹۶). «سیاست جنایی در جرائم اقتصادی»، **دانش حقوق و مالیه**، دوره اول، شماره ۲.
- مصطفی نژاد، سید شهاب الدین (۱۳۹۹). «مبارزه با فساد اداری در پرتو اسناد بالادستی»، **کنفرانس بین المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی**.
- الوانی، مهدی و همکاران (۱۳۸۹). «مولفه‌های تدوین استراتژی ملی مبارزه با فساد جمهوری اسلامی ایران»، **نشریه مدیریت دولتی**، دوره دوم، شماره ۴.
- هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۹۵). **مقابله با فساد اقتصادی**، قم: نشر بنیاد فقه و معارف اهل البیت.
- هاشمی، سید محمد و سرمست، مریم (۱۳۹۱). «سیمای پیشگیرانه کنوانسیون جهانی علیه فساد و قانون اساسی ایران»، **تحقیقات حقوقی آزاد**، سال پنجم، شماره ۱۸.
- منابع لاتین:  
 Farrales, Mark Jorgensen, 2005, **What is Corruption**, University of California, retrieved in:  
[https://papers.ssm.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=1739962](https://papers.ssm.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1739962).  
 Gardiner, John A. (1970). **The Politics of Corruption**. New York: Russell Sage Foundation.  
 Higson, Chris (2010). **Business Finance**, London, Oxford University Press.  
 Mungiu-Pippidi, A., & Dadaşov, R. (2017). When do anticorruption laws matter? The evidence on public integrity enabling contexts. **Crime, Law and Social Change**, 68(4), 387–402.  
 Mungiu-Pippidi, Alina and Fazekas, Mihaly, 2020, **Making sense of corruption studies: an introduction**, in Alina Mungiu-Pippidi and Paul M. Heywood (ed.), **Research Agenda for Studies of Corruption**, Elgar, UK.  
 Olken, B. A. (2009). Corruption perceptions vs. corruption reality. **Journal of Public Economics**, 93(7–8), 950–64.